سال هفتم، شماره دوم (پیاپی ۱۰)، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، ۱۵۸-۱۶۷.

شاپای الکترونیکی: ۳۹۶۳-۲۳۸۳

دوفصلنامهٔ پژوهش‌های قرآنی در ادبیات

http://koran.lu.ac.ir

دانشگاه لرستان

مقاله پژوهشی

احمد بهجت و فراخوانی میراث قرآنی در داستان کودک؛ «بررسی موردی داستان‌های: نبأ ابنی آدم و غراب، اصحاب الجنه، اصحاب الاخدود، السامری و العجل، الملک طالوت و النهر»

فرامرز میرزایی[۱]، هادی نظری منظم[۲]، محمد کلاشی[۳*]

[۱] استاد زبان و ادبیات عربی دانشگاه تربیت مدرس

[۲] استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه تربیت مدرس

[۳*] دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی

چکیده

هنر فراخوانی میراث قرآنی در ادبیات عربی از شگردهای جالب ادبی است که در گونه‌های مختلف چون؛ تضمین، اقتباس، و... مورد توجه ادبا و شاعران معاصر عربی قرار گرفته و بازتاب چشمگیری در آثارشان داشته است و استفاده از آن برای آموزش مضامین دینی، تربیتی و شناخت تاریخ به کودک بسیار مهم است. این مقوله در داستان کودک عربی نیز نمود پیدا کرده است. احمد بهجت از نویسندگانی است که به آموزه‌های قرآنی توجه زیادی کرده است. این پژوهش بر آن است تا با روش توصیفی- تحلیلی برخی از داستان‌هایش را از این نظر بررسی و تحلیل نماید.

بهجت از داستان زندگی هابیل و قابیل، حضرت موسی(ع) و برادرش هارون(ع)، حضرت عیسی(ع) و انسان‌های نیکوکار و مؤمن الهام گرفته تا بتواند ملاک‌های ممتاز رفتار و کردار ایشان را بدین طریق به کودک القا نماید. نتایج حاصله گویای این است که نویسنده با استفاده از زبان ساده و کودکانه آموزه‌های قرآنی را برای کودکان در قالب داستان آورده است.

اطلاعات مقاله

دریافت مقاله:

۱۴۰۱/۰۶/۱۱

پذیرش نهایی:

۱۴۰۱/۱۱/۱۰

واژگان کلیدی:

میراث، قرآن، داستان کودک، احمد بهجت.

* نویسنده مسئول

پست الکترونیک نویسندگان: mirzaeifaramarz@yahoo.com ،hadi.nazari@modares.ac.ir ،kalashi.mohammad@gmail.com

استنادهی به مقاله:

میرزایی، فرامرز؛ نظری منظم، هادی و کلاشی محمد (۱۴۰۱). بازتاب نگرش قرآنی- روایی شیعی در اشعار ابن هانی اندلسی، دوفصلنامهٔ پژوهشهای قرآنی در ادبیات، سال هفتم، شمارهٔ دوم (پیاپی ۱۰)، ص ۱۵۸-۱۶۷.

Doi:10.52547/koran.7.2.158

[Downloaded from koran.lu.ac.ir on 2024-04-28]

[DOI: 1052547/koran.7.2.158]

۱. مقدمه

میراث کهن چشمه‌ای است جوشان که ارزش‌ها، اعتقادات و اصالت ملل مختلف دائماً از دل آن می‌جوشد. امروزه به کارگیری شخصیت‌ها و حوادث کهن در داستان‌ها و اشعار یکی از ویژگی‌های بارز ادبیات تلقی می‌شود. این سرچشمه عظیم یکی از منابع ارزشمند ابداع و فعالیت فکری به شمار می‌رود که وجود ملت‌ها بدون ارتباط با آن محقق نمی‌شود. (عبدی، ۲۰۰۹: ۵۸)

برای میراث تعاریف و معانی متعددی ذکر شد که علی‌رغم تنوع، اصل مفهوم و معنای همه‌ی آن‌ها یکی است. از نگاه یکی از ادبا «میراث شامل ابداع فکری و تولیدات تمدنی و تاریخی است که تمام فرهنگ عربی را با وجود خود سرشار کرده است. چیزی که از آن به عنوان میراث یاد می‌شود، در آثار مکتوب باستانی (به شکل سنگ نوشته‌ها یا کتاب یا مؤلفات و...) وجود داشته و تاریخ را برای ما نگهداری کرده است.» (مسعدی، ۲۰۰۵: ۲۴) میراث «یافته‌های فرهنگی، فکری، دینی و فنی» (جابری، ۱۹۹۱: ۲۳) و مضمونی است که در بطن خطاب عربی معاصر به کار گرفته شد. تعریفات مذکور تنها با آمیزش در همدیگر کامل می‌شوند و چنین می‌توان عنوان نمود که میراث تمام رخ دادهای کهن را دربرمی‌گیرد چه ادبی باشد یا تاریخی، فرهنگی، هنری و... تفاوتی ندارد، بلکه چگونگی بهره بردن از آن، مهم‌تر است، زیرا میراث به تنهایی نمی‌تواند نیاز آیندگان را برآورده سازد و باید خلاقیتی آن را در قالبی مناسب ریزد تا برای نسل آینده مفید واقع شود. در به کار بردن میراث اهداف و نتایج گوناگونی به چشم می‌خورد. یکی از آن نتایج این است که از میراث استفاده می‌گردد تا از مهم‌ترین آموزه‌ها و تعالیم آن و حتی علامت‌ها و اشارات و دلالت‌های تاریخی و اجتماعی‌اش الهام گرفته شود. نویسنده با به کارگیری میراث در اثر ادبی خویش، تلاش دارد تا بین خود و آن پیوندی رقم بزند تا احساسات و افکاری را که در ضمیر اوست، نقل کند. (میرزایی، و همکاران، ۲۰۱۰: ۶۱)

یکی از انواع ادبی که میراث کهن با هدف شناخت پیشینیان و تربیت آیندگان در آن فراخوانده شده است، داستان کودک می‌باشد. از این رو جوامع مختلف دنیا در ادبیات خود از داستان‌های ملی و عامیانه و اساطیرشان استفاده نموده‌اند. به عنوان مثال در اروپا نویسندگانی چون «چالز پیرلت، فرانسیس اسبورن، رابرت سامبرو و...» (جلولی، ۲۰۰۳: ۱۳) در آثاری که برای کودک می‌نوشتند، از فراخوانی میراث بهره برده‌اند که این خود مهر تأییدی بر ارزشمند بودن رابطه میراث و ادبیات کودک است. در این میان جوامع اسلامی نیز به بهره‌گیری از مفاهیم تربیتی اسلامی نهفته در آثار قدیم به خصوص داستان-هایی از زندگی پیامبران و ائمه اطهار توجه نشان داده‌اند تا بتوانند در تربیت فرزندان خود از آن بهره گیرند که عرب‌ها نیز از این قاعده مستثنی نبوده و در ادبیات کودک خود از داستان-های الف لیلهٔ و لیلهٔ، کلیله و دمنه، قصص قرآنی و... بهره گرفته‌اند. (هیتی، ۱۹۸۸: ۲۲۴ ـ ۲۲۲)

احمد شفیق بهجت یکی نویسندگان مشهور داستان کودک نیز توانسته با الهام گرفتن و استفاده از میراث قرآنی، داستان‌های متعددی بیافریند. او در ۲۵ نوامبر ۱۹۳۲ میلادی در قاهره متولد شد. وی دارای مدرک لیسانس حقوق از دانشگاه قاهره و روزنامه‌نگار است و روزنامه‌نگاری را از سال ۱۹۵۵ با روزنامه‌ی اخبار الیوم آغاز کرده و در سال‌های ۱۹۵۷ و ۱۹۵۸ در مجله‌ی صباح‌الخیر و روزنامه‌ی الاهرام فعالیت نمود. بهجت در سال ۱۹۷۶ به عنوان مدیر مجله‌ی رادیو و تلویزیون و در سال ۱۹۸۲ به سمت معاون سردبیر روزنامه‌ی الاهرام منصوب شد. وی بیش از بیست کتاب دینی و ادبی از جمله: مذکرات زوج، مذکرات صائم، انبیاءالله، احسن القصص، الطریق الی الله، قمیص یوسف و... را تألیف نموده است. احمد

[Downloaded from koran.lu.ac.ir on 2024-04-28]
[DOI: 1052547/koran.7.2.158]

بهجت در زمینه‌ی داستان کودک نیز مؤلفاتی چون اصحاب الاخدود، اصحاب الجنة، السامريّ و العجل، الملك الطالوت و النهر، سيل العرم، غراب قابيل و هابيل، نبأ بني آدم و الغراب و... دارد. این نویسنده نامی در ۱۱ دسامبر ۲۰۱۱ در ۸۰ سالگی چشم از جهان فروبست. (میرزایی و کلاشی، ۱۳۹۳: ۴۹۹ و گروه فرهنگی حوزه کتاب و ادبیات، ۱۳۹۰) لذا این پژوهش درصدد است به مسأله ذیل پاسخی معقول و منطقی دهد:

فراخوانی میراث قرآنی در ادبیات داستانی کودک به ویژه شگرد آن در آثار احمد بهجت چگونه است؟

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی- تحلیلی (کتابخانه- ای) است. در این روش پژوهشگر با مراجعه به کتابخانه‌ها، سایت‌های اینترنتی، مجلات، روزنامه‌ها و حتی سخنرانی‌های مرتبط با موضوع، مطالبی که او را در راه رسیدن به پاسخ درست و معقول پژوهشش کمک می‌کند، جمع‌آوری نموده و با تجزیه و تحلیل علمی خود به نتایج مطلوب دست می‌یابد.

اما هدف این نوشتار روشن نمودن شگرد فراخوانی میراث در نمونه داستان‌های مورد بررسی احمد بهجت است تا بتواند دریچه‌ای را پیش و روی پژوهشگران و علاقمندان به ادبیات و داستان کودک بگشاید.

۲. پیشینه پژوهش

در حیطهٔ فراخوانی میراث دینی در داستان کودک تاکنون آثار معدودی نوشته شده که بیشتر به صورت کلی بوده و از آن جمله است:

۱ـ مقالهٔ «استلهام التراث العربی فی القصص الموجه للاطفال فی الجزائر، الف ليلة و ليلة، كليله و دمنه و نوادر جحا نموذجا» به قلم جلولی العید (۲۰۰۳م) در دمشق در مجله الموقف الادبی به شماره ۴۰۰ چاپ شده که بیشتر به داستان کودک و میراث در کشور الجزائر پرداخته است.

۲ـ کتاب «الطفل و التراث» محمد ابراهیم حور (۱۹۹۳م) در کشور فلسطین به چاپ رسیده که به مباحث کلی و گسترده کودکان و آموزه‌های کهن و الهام گرفتن از میراث قدیم پرداخته است.

۳ـ مقاله «بازآفرینی داستان‌های قرآنی برای کودک؛ بررسی موردی چند داستان احمد بهجت» که توسط فرامرز میرزایی و محمد کلاشی (۱۳۹۳ه.ش) در همایش بینامتنیت یا التناص قم ارائه و به چاپ رسیده است. این مقاله بیشتر به روابط بینامتنی داستان‌های احمد بهجت با قرآن کریم پرداخته و انواع بینامتنیت در نمونه داستان‌ها بررسی و تحلیل نموده است.

اما پژوهش حاضر به فراخوانی میراث در داستان کودک احمد بهجت می‌پردازد تا شیوه و شگرد نویسنده را در انتقال و القاء آموزه‌های قرآنی در قالب داستان کودک (به زبان کودکانه) به کودکان، تبیین و تشریح کند. و این وجه تمایز آن با مقاله «بازآفرینی داستان‌های قرآنی برای کودک؛ بررسی موردی چند داستان احمد بهجت» میرزایی و کلاشی (۱۳۹۳ه.ش) است.

۳. فراخوانی میراث در داستان کودک عربی

هنر فراخوانی میراث قدیم در ادبیات عربی کودک از اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم میلادی صورت پذیرفت (حسین، ۲۰۰۶: ۱۴۷ ـ ۱۴۴) که زاید آن را به انواع مختلفی چون: دینی، صوفی، تاریخی، ادبی، فلکلوری و اسطوری تقسیم نموده است. (عشری زاید، ۲۰۰۶: ۷۹ـ۷۳) میراث دینی در تزریق تعالیم

[Downloaded from koran.lu.ac.ir on 2024-04-28]

[DOI: 1052547/koran.7.2.158]

و آموزه‌های مرتبط با دین به ملل مختلف نقش زیادی ایفا می‌کند و با توجه به این که سرزمین‌های اسلامی از مبادی اسلام و قرآن در تربیت فرزندان خود بهره می‌برند، پژوهش در حیطه ادبیات کودک به ویژه داستان و نقش آن در القای مفاهیم و شناخت شخصیت‌های دینی از این طریق بسیار ضروری می‌نماید. میراث کهن در آغاز شکل‌گیری ادبیات کودک منبعی مهم بود که در نوشتن داستان و شعر کودک از آن استفاده می‌شد. مسلماً شاعر یا نویسنده‌ای که هدفش تربیت کودک است باید از میراث کهن اطلاعات کافی داشته باشد تا بتواند به خوبی بین ادبیات معاصر و میراث قدیم ارتباط برقرار کند تا بتواند از آن در رسیدن به هدفش به خوبی بهره گیرد. (عزام، ۲۰۰۴: ۱۲) از جمله شاخه‌های میراث که در ابلاغ تعالیم دینی و تربیتی به کودک مؤثر واقع می‌گردد، فراخوانی شخصیت‌های دینی و قرآنی است. به اعتقاد محمد عامر، میراث دینی یکی از مصادر بسیار مهمی است که ادبا در عصر معاصر توانسته‌اند در ادبیات کودک از ارزش‌های تربیتی آن استفاده نمایند و از جمله منابع مهم این ارزش‌های دینی، قرآن کریم می‌باشد (محمدعامر، ۲۰۰۶: ۴۶ ـ ۴۵) که آموزه‌های ارزشمند تربیتی و اخلاقی در آن نهفته است.

داستان کودک در جهان عرب عموماً و در مصر خصوصاً در به کار بردن و فراخوانی میراث قدیم موفق بوده است. این توفیق مرهون طبیعت ادبی داستان است که در میراث کهن به شکلی زیبا یک جانب درامی روشن دارد و در آن خیر و شر، حق و باطل، عدل و ظلم، زیبایی و زشتی به صورت هنری از هم تمییز داده می‌شود و همه‌ی این‌ها برگرفته از آثار ملی و تاریخی مانند: سیره‌ی عنتره و ذات الهمة، الملک الظاهر بیبرس، سیف بن ذی یزن، علی الزیبق و شهرزاد، سندباد و... می‌باشد. (قرانیا، ۲۰۰۳: ۹۸ ـ ۹۶) بکارگیری میراث به ویژه میراث دینی در ادبیات کودک اهدافی را دنبال می‌کند، از جمله: «۱. شناساندن برخی از جوانب تاریخی به ویژه دوران شکوفایی آن به کودک، ۲. نشان دادن ریشه‌ی ملی و دینی جامعه‌ی عربی به کودک ۳. شناساندن قهرمانان و پهلوانان عربی به کودک و برانگیختن روح شجاعت در ذهن او. ۴. ترقی خیال کودک و ارتباطش با گذشته و شناخت ادبا و علمای قدیم» (عبدالکافی، ۱۹۹۷: ۵۸) و علاوه بر آن می‌توان مواردی چون القای تعالیم دینی و تربیتی، شناساندن چهره‌های برجسته دینی چون پیامبران و امامان و همچنین بیان هدف آفرینش مخلوقات را به این اهداف اضافه نمود.

۴. احمد بهجت و میراث قرآنی

احمد بهجت از نویسندگانی است که در اکثر آثاری خود که برای کودکان نوشته است، از آموزه‌های قرآنی و اسلامی الهام گرفته است و همیشه توانسته در این سبک داستان‌آفرینی موفق باشد. تعدادی از نمونه داستان‌های وی به شرح ذیل مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

۴.۱. فرزندان آدم

احمد بهجت با گنجاندن داستان هابیل و قابیل (المائدة: ۲۷-۳۱) در قالب داستان کودک؛ «نبأ ابنی آدم و غراب»، سعی دارد مفاهیم و آموزه‌های قرآنی و اسلامی را با زبان کودکانه برایشان بیان نماید تا کودک بتواند براحتی آن‌ها را بیاموزد.

نویسنده ابتدا به چگونگی خلق انسان و شروع زندگی او در زمین بستر داستان را در ذهن مخاطب آماده می‌کند:

«الحیاةُ الإنسانیةُ بِهُبوطِ آدَمَ وَ حَواءَ إلی الأَرضِ، کانَت حوّاءُ تَلِدُ فی البَطنِ الواحِدِ تَوأَمَینِ ذَکَراً وَ أُنثَی.. فَإذا مَرَّ عامٌ وَلَدَت فی البَطنِ الثانی وَلَداً و بِنتاً.. تَزَوَّجَ الوَلَدُ الذی وُلِدَ فی البَطنِ الأَوَّلِ بِالبِنتِ التی وُلِدَت فی البطنِ الثانی.. و تَزَوَّجَ الولدُ الذی وُلِدَ فی

[Downloaded from koran.lu.ac.ir on 2024-04-28]
[DOI: 1052547/koran.7.2.158]

البطنِ الثانی بِالبِنتِ التی وُلِدَت فی البطنِ الأوَّلِ...» (بهجت، ۱۹۹۳ الف: ۴)؛ در این داستان آمده است که حضرت آدم دو دختر داشت که یکی با هابیل و دیگری با قابیل متولد شدند. به اذن خدا قابیل باید با خواهری که با هابیل متولد شد و هابیل با خواهری که با قابیل به دنیا آمد، ازدواج کند. از قضا همسر هابیل زیباتر بود و این سبب شد تا قابیل به برادرش حسادت ورزد.

نکته‌ی دیگری که بر حسادت قابیل نسبت به برادرش شدت داد، پذیرفته شدن قربانی هابیل از طرف خدا و رد قربانی قابیل بود.

«و ذات یومٍ أَمَرَ آدَمُ وَلَدَیهِ أَن یُقَدِّما قُرباناً لِلّه... سَألاهُ: ماذا یَعنی بِالقُربانِ؟ قال آدمُ: القُربانُ هدیةُ شُکرٍ إلی اللهِ.. إذا تَقَبَّلَها اللهُ سُبحانَهُ و تعالی، فسوف تَنزِلُ مِنَ السَّماءِ نارٌ تَلتَهِمُها.. و سیَکون هذا إیذاناً بِقَبولِ اللهِ لَها...» (همان: ۵)

قضیه از این قرار است که در آن زمان رسم بود؛ هر کسی در راه خدا چیزی قربانی و هدیه می‌کرد و اگر قربانی‌اش مورد قبول خدا واقع می‌شد، از طرف پروردگار به او وحی می‌گردید... . هابیل با وجود اینکه فقیر بود گوسفندی قربانی کرده بود و خداوند نیز آن را پذیرفت و او را مورد لطف خود قرار داد. اما قابیل با وجود تمکن مالی نتوانست چنین قربانی بکند. لذا با شنیدن پذیرش قربانی هابیل از طرف خدا، به هابیل حسادت ورزید و پیش خود فکر می‌کرد خدا هابیل را بیشتر از او دوست دارد. از قضا تنفر او از هابیل شدت گرفت و همین سبب شد تا قابیل به برادرش بگوید: «لأقتُلَنَّکَ» (المائدة: ۲۷)؛ حتماً تو را می‌کشم. هابیل در جوابش گفت: «لا تَغضَب یا قابیلُ «انما یتقبل الله من المتقین» (المائدة: ۲۷) لو نَدمتَ الآن وُعِدتَ إلی اللهِ فَسوف یَتَقَبَّلُ مِنکَ» (بهجت، ۱۹۹۳ الف: ۶)؛ خشمگین مشو ای قابیل، خداوند تنها از پرهیزکاران قبول می‌کند، ای کاش پشیمان شوی و به سوی خداوند برگردی تا به زودی از تو قبول خواهد کرد. قابیل بار دیگر گفت: «حتماً تو را می‌کشم». این بار هابیل این چنین پاسخ داد: «لَئن بَسَطتَ اِلَیَّ یَدَکَ لِتَقتُلَنِي ما أنَا بِباسطٍ یَدِیَ إلَیکَ لَأقتُلَکَ إنّي أَخافُ اللهَ رَبَّ العالمینَ» (المائدة : ۲۸)؛ اگر تو بخواهی مرا بکشی من هیچ گاه به سوی تو دست درازی نمی‌کنم. چون از خدای دو عالم می‌ترسم. قابیل دوباره گفت: «سأقتُلُکَ» (بهجت، ۱۹۹۳ الف: ۶)؛ به زودی تو را خواهم کشت. هابیل در پاسخ گفت: اگر تو بخواهی مرا بکشی هرگز مقاومت نمی‌کنم و این آیه‌ی شریفه را بر زبان جاری نمود: «إنّي أُریدُ أَن تَبوأَ بِإثمي و إثمِکَ فَتَکونَ مِن أصحابِ النّارِ وَ ذلِکَ جَزاءُ الظّالِمینَ» (مائده/۲۹)؛ من می‌خواهم گناه کشتن من و گناه مخالفت تو هر دو به تو بازگردد تا تو اهل آتش جهنم شوی که آن آتش جزای ستمکاران است. نویسنده با بیان این آیات شریفه می‌خواهد پرهیزکاری، تقواپیشگی و ترس از خدا و همچنین چگونگی جزای اعمال بد را به کودک بیاموزد. وی مشاجره‌ی بین هابیل و قابیل را در قالب داستان کودک و شبیه به دعوای کودکانه بین دو برادر جلوه می‌دهد تا کودک راحت‌تر آن را درک کند. بعد از گفتگوهایی که بین دو برادر انجام شد، قابیل مصمم شد هابیل را به قتل برساند. او با تکه استخوان سر الاغی، به برادرش که در غاری خوابیده بود، حمله کرد و او را کشت.

«کانَ حائراً تَموجُ نفسُهُ بِمَشاعرَ مُختلِطَةٍ مِن الخوفِ و الرُّعبِ و القَلقِ.. ثُمَّ إقتَرَبَ الغُرابُ فَرَآهُ قابیلُ یَحمِلُ غُراباً مَیِّتاً.. وَضَعَ الغُرابُ الحَیُّ شَقیقَهُ المیِّتَ علی الأرضِ و ساوَی أَجنِحَتَهُ و حَفَرَ لَهُ حُفرَةً بِمِنقارِهِ و أَقدامِهِ حتَّی إذا صَنَعَ لِأَخیهِ لَحَدَهُ و قبرَهُ، رفعَهُ بِمنقارِهِ و وَضَعَهُ بِرِفقٍ فی قبرِهِ. ثُمَّ صَرَخَ صَرخَتَینِ قَصیرَتَینِ کَأَنَّهُ یَبکیهِ و عادَ یَهیلُ علیهِ التُّرابَ.. بعدها طارَ فی الجوِّ و هُوَ یَصرُخُ..» (بهجت، ۱۹۹۳ الف: ۱۰ ـ ۹) اما پس از کشتنش نمی‌دانست با جسد وی چه کند و در آن هنگام به اذن خداوند کلاغی را دید

[Downloaded from koran.lu.ac.ir on 2024-04-28]
[DOI: 1052547/koran.7.2.158]

که با منقارش چاله‌ای حفر نموده و لاشه‌ی همنوع خود را در آن مخفی (دفن) کرد. و بعد از دفن همنوع خود چنان فریادی کشید که گویی گریه می‌کند. لذا قابیل با دیدن آن صحنه با خود گفت: «لم أعرفُ کیفَ أدفَنُ أخی و دَفَنَ الغُرابُ أخاهُ.» (همان: ۱۰) و همچنین حرکات کلاغ چنان بر او تاثر گذاشت که از کرده خود پشیمان شد و گفت: «یا وَیلَتا أعجَزتُ أن اَکونَ مِثلَ هذا الغُرابِ فَاُواریَ سُوءَةَ أخِي فَاَصبَحَ مِن النّادِمینَ» (المائدة: ۳۰)؛ چنان که قبلاً ذکر شد، نویسنده‌ای که از میراث بهره می‌گیرد باید کاملاً با آن آشنایی داشته باشد. در اینجا احمد بهجت نیز با شناختی که از مفاهیم و آموزه‌های مذهبی دارد، می‌خواهد با استفاده از این داستان قرآنی در قالب داستان کودک، آن را با جذابیت و ظرافت خاص برای کودکان بیان کند. بدین خاطر، با عبارات ساده و زبان کودکانه و خلق شخصیت‌هایی جذاب و متناسب با خلقیات کودکان، به ویژه شخصیت حیوانی، (به عنوان مثال؛ کلاغ) تفهیم و القای آموزه‌های قرآنی را به کودک راحت‌تر کرده است. این روش با طبع و سلیقه‌ی کودک سازگارتر و درک آن برایش آسان‌تر است و از این طریق می‌توان نکات آموزشی را به شکل بهتری به وی انتقال داد.

«کان هابیلُ أولَ إنسانٍ یَموتُ علی سَطحِ الأرضِ، و کان موتُهُ أولَ جریمَةِ قتلٍ تَقعُ فی الوجودِ الإنسانیِّ.. لم یَکُن قد ماتَ قبلَ ذلِکَ مِن البَشَرِ أَحَدٌ...» (بهجت، ۱۹۹۳ الف: ۹)

شایان ذکر است که نویسنده با بیان اینکه هابیل اولین انسانی است که مرده است و همچنین مرگ وی اولین قتل را در تاریخ زندگی آدمی رقم زده است، یک نکته جالب تاریخی را به کودکان از طریق داستان کودک القا می‌کند.

۴.۲. حضرت عیسی(ع)

نویسنده داستان «اصحاب‌الاخدود» را در قالب داستانی کوتاه با ساختاری کودکانه نوشته است. در این داستان آمده است؛ روزی از روزها یکی از نامه‌بران نامه‌ای را از طرف حکمران نجران برای حاکم برد که در آن نوشته بود؛ پیامبری به نام عیسی مسیح(ع) آمده است که مردم نجران را به یکتاپرستی دعوت کرده و آنان نیز الله را می‌پرستند؛ «قالَ الفارِسُ: دخلَ الدینُ الجَدیدُ إلی نَجرانَ. قالَ المَلِکُ: کیفَ یَدخُلُ الدینُ الجَدیدُ بِغیرِ إذنٍ مِنّی؟... مَن هُوَ صاحِبُ هذا الدینِ الجدیدِ؟ قالَ الفارِسُ: یَقولونَ إنَّ صاحِبَهُ نَبیٌّ یُسمُّونَهُ عیسَی المَسیح... یَدعو إلی الإیمانِ باللهِ و توحیدِهِ.» (بهجت، ۲۰۰۱ الف: ۶ـ۵) در این داستان، حاکم زمان از آئین یهودیتی که هیچ شباهتی با آئین حضرت موسی(ع) نداشت، پیروی می‌کرد. مردمانی که از این حکومت بت‌پرست خسته شده بودند با آمدن عیسی مسیح (ع) به او پیوستند و خدای او را برای پرستش برگزیدند. حاکم از گرایش مردم به حضرت عیسی و توحید و یکتاپرستی وی به خشم آمده و به آن‌ها هشدار داد در صورتی که از عیسی و آئین او پیروی کنند قتل عام خواهند شد. اما مسیحیان به تهدیدات حاکم توجه نکردند و با ایمان به خدا و روز قیامت این ستم‌ها را به جان خریدند تا در آخرت سعادتمند شوند. از این رو حاکم همه‌ی آن‌ها را زنده زنده آتش زده، دستشان را از زندگی دنیوی کوتاه نمود. نویسنده برای مستند ساختن مفاهیمی که از زندگی حضرت عیسی و پیروانش گرفته و در داستانش به کار برده است، از این آیات قرآن کریم استفاده می‌کند: «قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ وَهُمْ عَلَى مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَن يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ» (بروج: ۱۰ـ۴) احمد

[Downloaded from koran.lu.ac.ir on 2024-04-28]
[DOI: 1052547/koran.7.2.158]

بهجت از مفاهیم اسلامی، از جمله با ارزش جلوه دادن آئین یکتاپرستی برای کودک، وجود معاد و آخرتی که از زندگی دنیوی به مراتب باارزش‌تر است و همچنین پای‌بندی یکتاپرستان به عقاید اسلامی خود که در این آیات آمده، الهام می‌گیرد و آن را در قالب داستانی کودکانه و با زبانی ساده بیان می‌نماید تا کودک بتواند این آموزه‌ها و مبادی اسلامی را راحت‌تر فرا بگیرد.

۴.۳. حضرت طالوت (ع)

در داستان کوتاه «الملک و طالوت و النهر»، سرگذشت طالوت(ع) و قوم بنی‌اسرائیل به کار گرفته شده است. «تباعَدَ الیهودُ عن تعالیم التوراةِ التی نَزَلَت علی موسی علیه‌السلام، حین هَجَروا کَثیراً مِن تعالیمِهِ و أَوامِرِه، عِندَئِذٍ وَقَعَ لَهُم ما وَقَعَ لِکُلِّ أُمَّةٍ تَهجرُ کِتابَها أو تُضیعُ أوامِرَ نَبیِّها المُرسَلِ.. تَدَهوَرَت أحوالُ بنی إسرائیلَ عِندَئِذٍ.. و هُزِموا مِن أعدائِهِم.. ذات یومٍ ذَهَبَ کِبارُ القومِ مِن بنی إسرائیلَ إلی هذا النَّبی و قالوا لَهُ: أَلَیسَ اللهُ الذی بَعَثَکَ إلَینا؟ قال: نعم. ... قالوا: لِماذا لاتَسأَل أَن یَبعَثَ لَنا مَلکاً یَجمعُنا تَحتَ رایَتِهِ کی نُقاتِلَ فی سبیلِ الله و نَستَعیدَ حَقَّنا...» (بهجت، ۲۰۰۴: ۴) بنی اسرائیل روزی نزد پیامبر خود طالوت (ع) رفته و از او خواستند که از خدا بخواهد تا پادشاهی برایشان برگزیند. «و قد دَعَوتُ اللهَ فَأَختارَکَ مُلکاً علی بنی‌إسرائیلَ.. و عَلَیکِ أَن تُعِدَّ نَفسَکَ لِلقِتالِ... سَأَلَ طالوتُ: اللهُ هو الذی أَختارنی؟ قال: نعم...» (همان: ۶) خداوند طالوت را که از نظر مالی فقیر ولی از نظر معنوی و خداپرستی بسیار غنی بود برگزید. وقتی که پیامبرشان طالوت ایشان را دعوت نمود، نپذیرفتند و گفتند: «کیفَ یَکونُ له المُلکُ و نَحنُ أَحَقُّ بِالمُلکِ مِنهُ؟» (همان‌جا) چطور خداوند می‌تواند فردی فقیر را برای شاهی انتخاب کند؟ اگر راست می‌گویی نشانه‌ای بیاور. «... وَقَفَ الناسُ یَنتظِرونَ وُقوعَ المُعجِزَةِ ... فُوجِئوا أَنَّ التابوتَ یَعودُ إلی مکانِهِ فی المَعبَدِ، حَمَلَتهُ الملائِکَةُ... و أَحَسَّ الناس بِالسَّکینَةِ و إِطمَأَنّوا لإختیار طالوتَ مَلِکاً علَیهِم..» (همان‌جا) لیکن خداوند از آسمان صندوقچه‌ی سکینه را به عنوان تصدیق کلام پیامبر فرستاد و بنی‌اسرائیل با دیدن آن پادشاهی (پیامبری) طالوت را پذیرفتند و با پیامبر خود به جنگ با کفار رفتند. طالوت به آنان گفته بود در هر مرحله از جنگ امتحان می‌شوید تا بفهمیم آیا در اعتقادتان خلوص دارید؟ اولین ابزار آزمایش رودخانه‌ای بود که بر سر راهشان به طرف دشمن بود. طالوت به ایشان گفت: هرکس از آن بنوشد از من نیست. عده‌ی اندکی باقی ماندند که از آن ننوشیدند و به قول طالوت رستگارانند. این داستان برگرفته از آیات «أَلَم تَرَ إِلي المَلَإِ مِن بَني‌إسرائیلَ... بِإذنِ اللهِ وَ اللهُ مَعَ الصابِرینَ» (البقرة: ۲۴۹ ـ ۲۴۶) است. نویسنده این آیات را در قالب داستان کودک ریخته تا مفاهیم اسلامی نهفته در آن را برای کودک با زبانی ساده و مطابق طبعشان بیان نماید تا شاید کودک بتواند راحت‌تر آن را بیاموزد. مفاهیمی که نویسنده از این آیات برگرفته، این است که همه انسان‌ها از خلق و خوی نیک و پسندیده برخوردار نیستند و انسان‌های بد در هر مکان و زمانی وجود دارند. بهجت با این فراخوانی می‌خواهد ارزش تقوا و عبادت خداوند متعال را به کودکان ثابت کند و به آن‌ها بگوید که ثروت در برابر علم و تقوا کم‌ارزش‌تر است. همچنین وی با ذکر کردن معجزه صندوقچه‌ی سکینه می‌خواهد به کودکان بفهماند که معجزه یکی از راه‌هایی است که خداوند برای تأیید فرستاده‌ی خود بر مردم نازل می‌کرد.

[Downloaded from koran.lu.ac.ir on 2024-04-28]
[DOI: 1052547/koran.7.2.158]

۴.۴. حضرت موسی(ع)

احمد بهجت داستان قرآنی «السامری و العجل» را در قالب داستان کودک نوشته است. با توجه به این داستان، قوم بنی-اسرائیل همیشه زیورآلاتی را از مصریان قرض می‌گرفتند و از آن جواهرات در جشن‌هایشان استفاده می‌کردند. با مخالفت فرعون با حضرت موسی و فرار آن حضرت از دست مصریان به وسیله‌ی معجزه شکافته شدن دریا به اذن خداوند و عبور قومش از آن، بنی‌اسرائیل زیورآلات را برای خود نگه داشتند و دیگر به مصریان برنگرداندند. تا این که مردی سامری این قضیه را به موسی خبر داد. آن حضرت به قومش دستور داد تا زیورآلات مصریان را جمع کند تا مرد سامری به صاحبانش برگرداند. اما مرد سامری از اینکه مردم از موسی(ع) خواستند خدایی را برایشان تعیین کند تا بپرستند؛ «یا مُوسي... إجعَل لَنا إلهاً كَما لَهُم آلِهةٌ» (اعراف/۱۳۸) سوءاستفاده کرد و با طلا و جواهرات گوساله‌ای ساخته و مردم را به پرستش آن تحریک نمود. حضرت موسی (ع) با مطلع شدن از این موضوع خشمگین شده و قومش را جاهل وصف کرد و الله را شایسته-ترین خدا برایشان دانست؛ غَضبَ موسی و قال: «إنَّكُم قومٌ تَجهَلُونَ... أَغَيرَ اللهِ أَبغيكُم إلهاً و هُوَ فَضَّلَكُم عَلَي العَالَمينَ» (همان/۱۴۰ ـ ۱۳۸) «...كَيفَ تُريدونَ العودَةَ إلي عِبادَةِ الأَصنامِ و أَنتُم أَهلُ التوحيدِ... شَاهَدوا العِجلَ الذَّهَبي أَلَّذي صَنَعَهُ السَّامِرِي...» (بهجت، ۲۰۰۱ ب: ۵) و آن مرد سامری را محاکمه نمود. آن سامری علت را وسوسه‌ی نفس اماره خواند و از عملش پشیمان شد. نویسنده با استفاده از آیات «وَ ما أَعجَلَكَ عن قَومِكَ يا موسي... إنَّما إلهُكُم اللهُ الَّذي لا إلهَ إلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيءٍ عِلماً» (طه/ ۹۸ ـ ۸۳) از داستان حضرت موسی و برادرش هارون الهام گرفته و با این شیوه مواردی چون: یادآوری معجزه برای کودکان، اهمیت یکتاپرستی، دوری از وسوسه‌های شیطانی نفس اماره، پرهیز از پرستیدن اشیاء بی‌جان یا بت پرستی و... را در چارچوب داستان کودک قرار داده تا بتواند با چنین شیوه‌ی دلچسب و جذابی آموزه‌های دین اسلام را به کودک بیاموزد.

۴. ۵. بهشتیان

داستان «أصحاب الجنة» از جمله داستان‌های کوتاهی است که نویسنده در آن از مضامین دین مبین اسلام الهام گرفته است. در این داستان استادی راه و رسم زندگی را به شاگردش می-آموزد. او حوادث و اتفاقات را در دنیا به امتحانات مدارس تشبیه کرده و روزها و شب‌هایش را به برگه‌های سؤالات که نیاز به پاسخ دارد. وی همه اسباب و حوادث خوب و بد در زندگی مثل: ثروت و فقر، بیماری و سلامتی، کفر و ایمان، حزن و شادی، خشنودی و غضب و... را امتحانی می‌داند که خداوند برای بندگان خود مقدر نمود و هرکس بتواند با تقوا و ایمان به خدا از آن بگذرد به برکات آسمانی و زمینی دست خواهد یافت؛ «قالَ الشيخُ الحَكيمُ لِتلميذِهِ الشَّابِّ: تُشبِهُ أَيامُ الدُنيا و لَياليها أَوراقاً في إمتحانٍ تَتَعاقِبُ أَسئِلَتُهُ. تَختَلِفُ أَسئِلةِ الإمتِحانِ فِي الدُّنيا عَن أَسئِلَةِ الإمتِحانِ فِي المَدارِس... قالَ الشَيخُ الحَكيمُ: أَلَم تَقرَأ قَولَهُ تَعالَي: وَ لَو أَهلُ القُري آمَنُوا وَ اتَّقُوا لَفَتَحنَا عَلَيهِم بَرَكاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الأَرضِ» (بهجت، ۱۹۹۳، ب: ۴). بهجت با استفاده از مفاهیم آیات «إنّا بَلَوناهُم كَما بَلَونا أَصحابَ الجَنَّةِ... عَسَي رَبُّنا أَن يُبدِلَنا خَيراً مِنها إنَّا إلَي رَبِّنا رَاغِبُونَ» (قلم/۳۲ ـ ۱۷) در قالب ادبیات داستانی کودک می‌خواهد راه زندگی را به کودک بیاموزد و به او بگوید که خداوند همیشه و همه جا بندگانش را زیر نظر دارد و تمام حالاتی که بر انسان رخ می-دهد امتحانی است که فقط با صبر و حوصله و ایمان به خدا می‌توان به آن پاسخ داد. قالب داستان کودک بهترین روش برای القاء این مفاهیم به کودک است، زیرا کودک در کنار

[Downloaded from koran.lu.ac.ir on 2024-04-28]
[DOI: 1052547/koran.7.2.158]

آموزش از داستانی که به وی نشاط کودکانه می‌بخشد، لذت می‌برد.

نتایج

نتایج حاصل از این نوشتار به شرح زیر است:

ـ احمد بهجت فراخوانی میراث را به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزار آموزش تعالیم دین به کار گرفته و هدفش القای مفاهیم و مضامین قرآنی به کودک از طریق داستان است.

ـ داستان‌های کودک بهجت بیشتر از داستان‌های قرآنی و داستان زندگی پیامبرانی چون حضرت آدم و فرزندانش، حضرت موسی(ع)، عیسی(ع) و حضرت طالوت و...، الهام گرفته است. او در این داستان‌ها از آیات قرآن استفاده کرده است تا مفاهیم اسلامی مورد نظر را مستدل تر بیان نماید. و آیات استفاده شده را همان طور که در قرآن آمده، کامل ذکر کرده تا به داستان خود و به مفاهیم به کاربرده شده در آن ارزش و اعتبار ببخشد.

ـ احمد بهجت با استفاده از اسم و صفات و خلق و خوی شخصیت‌ها با جزئیات کامل و صریح، آنان را فراخوانده و سعی کرده است با این کار، از ایجاد شبهه برای کودک بپرهیزد، زیرا اگر این قبیل داستان‌ها به صورت کنایه‌وار و رمزی بیان بشود، کودک به خوبی نمی‌تواند مضامین به کار گرفته شده را بفهمد و ممکن است در دین خود دچار شک و تردید شود.

ـ فراخوانی برخی از داستان‌ها که کم و بیش از شخصیت‌های حیوانی برخوردارند، برای بیان مضامین آموزشی چه قرآنی و یا غیر آن برای سنین اولیه کودکی مؤثرتر است و در ذهن کودک بهتر نفوذ می‌کند. مثلاً در داستان فرزندان آدم (ع)، وقتی کلاغ همنوع خود را زیر خاک دفن می‌کند، کودک را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهد. همان‌طور که قابیل به دیدن رفتار کلاغ خود را از کلاغ ناتوان‌تر دید و همان باعث پشیمانی او از کرده خود شد. معمولاً کودک از عناصر و شخصیت‌های داستان الگوبرداری می‌کند.

در مجموع احمد بهجت با زبان کودکانه و آوردن کلمات و عبارات ساده و قابل فهم به خوبی توانسته است، آموزه‌های برگرفته از داستان‌های قرآنی را در قالب داستان کودک دربیاورد تا بتواند با روشی هدف‌مند و نوین، مفاهیم و آموزه‌های قرآنی را به کودکان انتقال دهد.

[Downloaded from koran.lu.ac.ir on 2024-04-28]

[DOI: 1052547/koran.7.2.158]

فهرست منابع

- قرآن کریم
- بهجت، احمد شفیق (۱۹۹۳، الف). **نبأ ابني آدم و غراب**؛ الطبعة الثالثة، قاهره: دارالشروق.
- بهجت، احمد شفیق (۱۹۹۳، ب). **اصحاب الجنة**؛ الطبعة الثالثة، القاهرة: دارالشروق.
- بهجت، احمد شفیق (۲۰۰۱، الف). **اصحاب الاخدود**؛ الطبعة الرابعة، قاهره: دارالشروق.
- بهجت، احمد شفیق (۲۰۰۱، ب). **السامري و العجل**؛ الطبعة الرابعة، قاهره: دارالشروق.
- بهجت، احمد شفیق (۲۰۰۴). **الملك طالوت و النهر**؛ الطبعة الرابعة، قاهره: دارالشروق.
- جابري، محمد عابد (۱۹۹۱). **التراث و الحداثة**، المغرب دار البيضاء: المركز الثقافي العربي.
- جلولي، العيد (۲۰۰۳). «استلهام التراث العربي في القصص الموجه للاطفال في الجزائر الف ليله و ليله و كليله و دمنه و نوادر جحا نموذجا»؛ **مجله الموقف الادبي**، منشورات اتحاد الكتاب العرب، دمشق: شماره ۴۰۰، صص ۲۹ ـ ۲۰.
- حسين، احمد جاسم (۲۰۰۶). «الادب العربي الحديث و التراث تحولات العلاقه و خصوصيات الاجناس»؛ **مجله التراث الادبي**، شماره ۱۰۲، صص ۱۷۰ ـ ۱۴۰.
- حور، محمد ابراهيم (۱۹۹۳). **الطفل و التراث**؛ الطبعة الأولى، فلسطين: دائرة الثقافة و الاعلام.
- عبدالكافي، اسماعيل عبدالفتاح (۱۹۹۷). **الادب الاسلامي للاطفال**؛ الطبعة الأولى، القاهرة: دارالفكر العربي.
- عبدي، صلاح الدين (۲۰۰۹). «استدعاء التراث في ادب زكريا تامر»؛ **مجله العلوم الانسانية الدولية**، العدد ۳/۱۶، صص ۶۹ ـ ۵۷.
- عزام، محمد (۲۰۰۴). «توظيف التراث في شعر الاطفال عند سليمان عيسي»؛ **مجله الموقف الادبي**، منشورات اتحاد الكتاب العرب، دمشق: شماره ۴۰۰، صص ۱۹ ـ ۱۱.
- عشري زايد، علي (۲۰۰۶). **استدعاء الشخصيات التراثية في الشعر العربي المعاصر**؛ قاهره: دارالغريب.
- قرانيا، محمد (۲۰۰۳). **قصائد الاطفال في سوريه**؛ دمشق: منشورات اتحاد الكتاب العرب.
- محمد عامر، عبدالحميد (۲۰۰۶). **ادب الاطفال في ليبيا**؛ الطبعة الأولى، ليبيا (بنغازي): دارالكتب الوطنية.
- مسعدي، محمود (۲۰۰۵). **التناص التراثية في حدث ابي هريره قال ...**؛ الجزائر: جامعة الجزائر.
- میرزایی، فرامرز و محمد کلاشی (پائیز۱۳۹۳). «بازآفرینی داستان-های قرآنی برای کودک؛ بررسی موردی چند داستان احمد بهجت»، قم: **همایش ملی بینامتنیت (التناص)**، مجموعه مقالات برگزیده برای ارائه، صص ۵۰۱ ـ ۴۸۵.
- میرزایی، فرامرز، یعقوب محمدي فر و مریم رحمتي ترکاشوند (۲۰۱۰). «استدعاء الشخصيات الساسانية في شعر البحتري»؛ **مجله العلوم الانسانية الدولية**، شماره ۴/۱۷، صص ۵۷ـ ۷۳.
- وتار، محمد رياض (۲۰۰۲). **توظيف التراث في الرواية العربية المعاصرة**؛ دمشق: اتحاد الكتاب العرب.
- هيتي، هادي نعمان (۱۹۸۸). **ثقافة الاطفال**؛ كويت: المجلس الوطني للثقافة و الفنون و الآداب.

[Downloaded from koran.lu.ac.ir on 2024-04-28]

[DOI: 1052547/koran.7.2.158]